

صحيفة الحسين عليه السلام

[97] حضرت واقع شد، امام خونها را با دستش جمع کرد و بسوی آسمان پرتاب کرد و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: خداوندا ! من بسوی تو شکایت می کنم آنچه نسبت به پسر دختر پیامبرت اعمال می شود، خدایا یکایک آنان را نابود ساز، و آنان را با پراکندگی بقتل برسان، و هیچیک از آنان را باقی مگذار. (37) دعای آن حضرت بعد از آنکه بسوی ایشان تیراندازی کردند از مسلم بن رباح نقل است که گفت: با آن حضرت در روز عاشورا بودم، تیری را بسوی چهره ایشان پرتاب کردند، به من فرمود: ای مسلم دستت را نزدیک آور، دستم پر از خون شد، فرمود تا در دست ایشان بریزم، آن حضرت خونها را بسوی آسمان پرتاب کرد و فرمود: خداوندا ! از خون پسر دختر پیامبرت خونخواهی کن. مسلم گوید: قطره ای از آن خون به زمین بازنگشت. (38) دعای آن حضرت هنگامیکه از اسب بر روی گونه راستش بر زمین افتاد بنام خدا و بیاد او و بر راه پیامبر خدا.
